



۱۱

صیاد دل‌ها



۱۰

دیدار معاون هنری وزیر ارشاد با خالق سرود ملی ایران



۱۲

وکالت دوباره مک‌کانهی

فرهنگ

شنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۰ :: شماره ۵۹۰۹



قانون در خدمت

افزایش سواد رسانه‌ای

دستورالعمل «الزامات ارتقای سواد فضای مجازی در حوزه محتوا و خدمات فرهنگی فضای مجازی» از سوی دبیر شورای عالی فضای مجازی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ابلاغ شد. به گزارش روابط عمومی مرکز توسعه فرهنگ و هنر در فضای مجازی، دستورالعمل الزامات ارتقای سواد فضای مجازی در حوزه محتوا و خدمات فرهنگی فضای مجازی باهدف ارتقای آگاهی، دانش و مهارت کاربران برای استفاده بهینه از فضای مجازی و ضرورت افزایش محتوای مرتبط با فرهنگ‌سازی و سواد مجازی از سوی شورای عالی فضای مجازی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ابلاغ شد. براساس این دستورالعمل، کارگروهی متشکل از رئیس مرکز توسعه فرهنگ و هنر در فضای مجازی به‌عنوان رئیس کارگروه، معاون ذی‌ربط مرکز به عنوان دبیر کارگروه و عضویت نماینده مرکز ملی فضای مجازی، نماینده سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، نماینده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، نماینده سازمان تبلیغات اسلامی و نماینده اشخاص مشمول دستورالعمل به پیشنهاد اعضای کارگروه و تایید رئیس مرکز ملی فضای مجازی تشکیل خواهد شد. شناسایی و معرفی فعالان برتر در ارتقای سواد فضای مجازی و اعطای نشان مسؤولیت اجتماعی در گسترش سواد فضای مجازی، تدوین مقررات اجرایی اعطای تسهیلات و حمایت‌های مادی و معنوی برای تولید، انتشار محتوای سواد فضای مجازی و حمایت از توسعه کسب و کارهای برتر در ترویج سواد فضای مجازی به منظور هم‌افزایی و هماهنگی اقدامات دستگاه‌های عضو کارگروه، ایجاد سازوکار پایش و ارزیابی فصلی فعالیت اشخاص مشمول، پیگیری تحقق مصوبات کارگروه و ارائه گزارش عملکرد به مرکز ملی فضای مجازی در فواصل شش‌ماهه از وظایف و اختیارات کارگروه است.

در این دستورالعمل تاکید شده است که افراد مشمول باید نسبت به آگاه‌سازی کاربران نسبت به حقوق، مسؤولیت‌ها و پیامدهای استفاده از خدمات و محتوای فضای مجازی و جرائم مرتبط، اطلاع‌رسانی شیوه استفاده صحیح از خدمات و محتوای ارائه شده و رده‌بندی سنی آنها، اطلاع‌رسانی به اولیا و مربیان درخصوص نحوه نظارت بر کودکان و نوجوانان و مراقبت از ایشان در هنگام استفاده از خدمات و محتوای فضای مجازی، اطلاع‌رسانی و اخذ مجوز از کاربران درخصوص دسترسی‌های کارافزارها و سکوها به ابزارها، داده‌های شخصی کاربران و موقعیت مکانی آنان، تدوین و انتشار منشور اخلاق حرفه‌ای و ایجاد امکان ثبت و پیگیری شکایات و انتقادات کاربران، ارائه یک نسخه از محتوای تولیدی و منتشر شده در زمینه افزایش سواد فضای مجازی کاربران به مرکز و رعایت مصوبات کارگروه اقدام کنند.

این دستورالعمل صاحبان رسانه‌های دیجیتال اعم از رسانه‌های برحامل و رسانه‌های برخط خبری، رسانه‌های عرضه‌کننده محتوای فرهنگی و هنری در قالب‌های متنی، صوتی و تصویری، صاحبان سکوها محتوا و خدمات فرهنگی دیجیتال و صاحبان کارافزارهای محتوا و خدمات فرهنگی دیجیتال را شامل می‌شود.

اقتدار و فرماندهی شهید صیاد شیرازی حتی در این تصویر هم نمایان است / عکس: خبرگزاری دفاع مقدس

۱۰

امیر سرتیپ سید حسام هاشمی از هم‌زمان شهید صیاد شیرازی درباره دوست و هم‌زم قدیمی اش می‌گوید

صیاد خودش را بدهکار انقلاب می‌داندست



آیا شمایل «آقامرئضی» هم دستخوش همان چیزی شده که خودش آن را «واقعیت معروض در فیلم» می‌نامید؟

جزء مزاحم کل



فاطمه ترکاشوند

ادبیات و هنر

چه کسی روتوش کرده بود؟

پخش مستند «آقامرئضی» از شب شانزدهم فروردین در شبکه سه سیما آغاز شد تا پس از یک هفته خود را به سالگرد شهادت سیدمرتضی آوینی برساند اما از همان شب اول حواشی این چند قسمت که تلاش می‌کرد حرف‌های جدیدی برای گفتن داشته باشد آغاز شد.

«آوینی بدون روتوش» هم داعیه این آخرین ساخته سازمان اوج را شکل می‌داد و هم محور اعتراض‌ها به آن شده بود اما برخلاف چیزی که در برخی مطالب موافق و مخالف ادعا می‌شد، چهره متفاوت سیدمرتضی آوینی که حالا با نام «کامران» شمایل‌سازی می‌شد، نه پیش از این توسط هیچ گروهی سانسور شده بود و نه اصلا مخاطبان و علاقه‌مندان به سید شهدای اهل قلم از آن ناگاه بودند.

در واقع اگر هم حذف یا کم‌رنگ‌شدن این فصل زندگی او نوعی اتهام بود، متهم ردیف اولش خودش بود که هر آنچه از آن دوران داشت یا می‌سوزاند یا به آب می‌انداخت. آیا جزئیات این فصل به آب انداخته و سوخته‌شده، در روایت «آقامرئضی» دست‌کم در همان معنی که آوینی نظریه‌پرداز به آن قائل بود «واقعیت» داشت و بخش ضروری این واقعیت را تشکیل می‌داد؟

این اختلاف روایت‌ها مگر چقدر است؟

پخش قسمت اول مستند و طرح نام «غزاله علیزاده»، اعتراض همسر و دختر شهید آوینی را برانگیخت. کوثر آوینی در اینستاگرامش نوشت: «چیزهایی که دارد بخش می‌شود روایت بدون سانسور زندگی پدرم نیست، بلکه روایتی است تحریف‌شده و سخیف در حد اندازه همان ذهن‌هایی که داستان‌پردازی کرده‌اند». مریم امینی، همسر آوینی هم در بیانیه‌ای پراعتراض با فیلم‌فارسی‌نامیدن این مستند نوشت: «در کشوری زندگی می‌کنیم که مرجع تایید آنچه درباره زندگی خصوصی سیدمرتضی آوینی نمایش می‌دهند،

سیدمرتضی آوینی، همان صاحب‌نظری که در تفکیک واقعیت از «واقعیت سینمایی» یا به قول خودش «واقعیت معروض در فیلم» پیشگام بود و این مساله را حتی در شکلی به سینمای مستند هم تعمیم می‌داد؛ همان مستندسازی که اصرار داشت حتی درباره مصادیق مهم عصر خودش یعنی مستندهای جنگ تحمیلی، همکارانش را قانع کند که تا «سیر انفسی» خود را طی نکرده باشند نمی‌توانند واقعیت را در آفاق ببینند؛ همان مدیری که راش‌های فیلمبرداریش را تا زمانی که چشم تربیت‌شده در مکتب او را نمی‌یافتند، نمی‌پذیرفت و مقاله‌ای چون «واقعیت در سینمای مستند» را می‌نوشت تا ضمن طرد «واقعی‌بودن» فیلم، مرجعی برای بازتاب‌دهی واقعیت در مستند بیابد؛ همان آوینی حالا خودش دستخوش روایت‌های پرچینال و پراختلاف سینمایی شده است. همه دارند پشت لنز این عبارات «روایت سانسور شده» و «روایت تحریف‌شده» دانسته و نادانسته دنبال «آوینی واقعی» می‌گردند اما واقعا «آقامرئضی» همین قدر متشتت و ناشناخته است که مثلاً بی‌بی‌سی فارسی بر لاشه اختلاف روایت‌ها بنشینند و بنویسد: «درباره آقای آوینی که طرفدارانش او را «سید شهیدان اهل قلم» می‌خواندند نظریات متفاوتی وجود دارد... و معلوم نیست با فراز و فرودی که در زندگی‌اش داشت اگر امروز بود «کامران» بود یا «آقامرئضی» یا هیچ‌کدام؟»



وجه تعیین‌کننده‌ای در شناخت او ندارد، طرح نکرد اما با تمام اینها همه این حواشی در نسبت با شناخت شخصیت آوینی بیش از کف روی آب نیستند.

فصل‌های بی‌تردید حیات آوینی

در این که سیدمرتضی آوینی پیش از انقلاب، جوانی جست‌وجوگر با سبک زندگی روشن‌فکران همدوره خود بوده همان قدر شکی نیست که نقطه‌عطف‌شدن آشنایی‌اش با امام خمینی(ره). در هر دو فصل، «جست‌وجوگری برای یافتن حقیقت» شاگله شخصیت او را می‌سازد اما در هر کدام به‌نوعی بروز و ظهور می‌یابد. اجزاء سازنده کل هستند اما برخی روایت‌ها این اجزاء را در مزاحمت با کل قرار می‌دهند و چیزی می‌سازند که هم واقعی است و هم ناواقعیت.

در همسایه شدن او با فرهاد، خواننده مشهور

همدوره‌اش همان قدر تردیدی نیست که در عشق او به شهادت و فهم عاشورایی‌اش از دفاع مقدس. در مارکس خواندن و شعر سپید گفتنش همان قدر نمی‌شود تشکیک کرد که در تفسیر قرآن خواندن و نریشن‌های پر از خلوصش روی مستندهای روایت فتح. به واقعیت تاریخی جدال او با برخی دسته‌ها و گروه‌های سیاسی همان اندازه نمی‌شود خدشه کرد که به متن حرفه‌ای این جدال‌ها و دوری آنها از شواذب سیاست‌زده‌ای که بعدها به آن آلوده شد. به تلاش او برای نظریه‌پردازی و طرح نو در انداختن برای سینما به عنوان محصول تمدن غرب همان اندازه باید باور داشت که به اصرارش برای بالا بردن پرچم سینمای بدنه با معرفی هیچکاک در برابر جریان هنری دهه ۶۰ برای جان‌داختن سینمای هنری و عرفان‌زده بی‌مایه.

واما آنچه نافع است بر زمین می‌ماند

بین این دو فصل از زندگی آوینی بدون تردید ارتباطی هست که از قضا نه در مقابل هم بلکه در تکمیل و تداوم همدیگر هستند. هر روایتی که تلاش کند این دو فصل را در تقابل با یکدیگر قرار دهد چه بی‌بی‌سی فارسی باشد که آوینی را «مخملیافیزه» می‌کند و از او تضادهای ناسازگار درمی‌آورد چه مستندی که کوچک‌ها را بزرگ‌نمایی می‌کند، به یک اندازه «واقعیت آوینی» را نشناخته است.

بی‌روتوش‌ترین آوینی، همانی است که در کتاب‌ها و مستندهایش مستقیماً با مخاطب حرف می‌زند. همانی که رچه در مسیر صیوریت انسانی‌اش قرار دارد اما عناصر رهویت‌بخش خود را بی‌واسطه از اسلام، قرآن، نهج‌البلاغه، امام حسین(ع)، انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره) و دفاع مقدس می‌گیرد. هیچ روایت صادقانه‌ای از شهید آوینی نمی‌تواند آنقدر متشتت باشد که ادعا کند معلوم نیست او «مرتضی» بود یا «کامران» مگر آن که به عمد استثنائی از زندگی سید شهیدان اهل‌قلم را محور قضاوت شخصیت او قرار دهد و کل را به نفع جزء قربانی کند.

حقیقت‌ترتد است و در قاموس خلقت هم نیست که اجازه دهد هیچ روایت مخدوشی از پس حقیقت برآید چرا که خداوند تضمین کرده است که: «كَذَّالِكَ يُصَرِّفُ اللَّهُ إِلَهُ الْخَلْقِ وَالْأَبْطَالُ فَأَمَّا الزُّبَيُّ قَيْدُ هَبْ جَاءَ وَ أَمَا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فِيمَكْتُ فِي الْأَرْضِ».

از خود داشت وقتی می‌نوشت: «شیاطین پنداشته‌اند که یاد و راه ما را از تاریخ‌های رسمی حذف کرده‌اند و نه یادی از هابیل باقی‌مانده است و نه یادی از شیخ‌الانبیا، حضرت ابراهیم و نه یادی از حسین ذبیح...» غافل که آنچه در جهان باقی می‌ماند حق است و آنچه با حق پیوسته است. آینده از آن ماست. [✚](#)



کوثر آوینی:

چیزهایی که دارد بخش می‌شود روایت بدون سانسور زندگی پدرم نیست، بلکه روایتی است تحریف‌شده و سخیف در حد اندازه همان ذهن‌هایی که داستان‌پردازی کرده‌اند

می‌شد پیش از تولید، صاحبان و حاضران در این راش‌ها را در جریان قرار داد و رضایت‌شان را جلب کرد. می‌شد پرچم آوینی بدون روتوش را برای چهره‌ای تا این اندازه شفاف بلند نکرد و فصلی از زندگی او را که هم از حیث واقعیت قابل خدشه است و هم عملاً هیچ